

درباره جن آنها که هستند و نیستند

دنیا از نظر بیشتر ما تلفیقی از آدم‌های دیدنی و موجودات ندیدنی است که البته دیدنی‌هایش ترس ندارند، ولی ندیدنی‌هایش زهره می‌ترکانند.



دنیا از نظر بیشتر ما تلفیقی از آدم‌های دیدنی و موجودات ندیدنی است که البته دیدنی‌هایش ترس ندارند، ولی ندیدنی‌هایش زهره می‌ترکانند.

آنهايي که ما مردم را مي ترسانند موجوداتي محوند که به گمان ما شرورند و قصد آزار دارند؛ چيزي شبیه سایه که مدام دنبال بعضی از ما راه می افتند و در زندگی مان سرک می کشند، ولی دیده نمی شوند.

همین دیده نشدن هم دلیل خوبی برای شاخ و برگ دادن به ماهیت آنهاست بویژه این که عده ای می گویند این موجودات را در مکان هایی خاص دیده و گاهی هم حضورشان را احساس کرده اند.

عده ای می گویند جن، عده ای هم می گویند آل و بختک و غول بیابانی که همه در ترسناک بودن و آزار رساندن به آدم ها مشترکند، اما مشخص نیست آن موجود وهم آلود که گاهی پا در زندگی ما می گذارد و موجب ترس و وحشت مان می شود، کیست و از کجا آمده است؛ از دنیایی واقعی یا از دنیایی ساخته و پرداخته تخیل ما؟

جن، حرف اول را می زند

جن در فرهنگ عامه ما حرف اول را می زند چون بیشترین نگرانی که در دل آدم های گیر افتاده در تاریکی و تنهایی می افتد، نگرانی از مواجهه با جن است همان موجودی که در باورهای ما پاهایی پشمالو و سم دار دارد، چشم هایش از چپ و راست باز می شود، عاشق تاریکی است، با دمیدن صبح خودش را مخفی می کند، خانه اش جایی در خرابه ها، بیابان ها، گرمابه ها و آب انبارهاست و اگر آزارش بدهیم آزارمان می دهد.

در ذهن ما باید از جن حذر کرد یعنی باید کاری کرد تا با او رو به رو نشد یا کاری نکرد که رنجیده شود، چون آن وقت او که توانایی اش مافوق توان آدم هاست تاوان سختی از ما می گیرد. مثلا اگر بدون گفتن بسم الله، آب جوش روی زمین بریزیم یا اگر شب هنگام بدون بر زبان آوردن نام خدا در بیابانی آتش بیفروزیم و ندانسته به جن ها یا بچه هایشان صدمه بزنیم از آن روز به بعد دیگر روی خوشی نخواهیم دید.

آوردن نام خدا هم از این بابت است که در فرهنگ ما جن موجودی است که از بسم الله می ترسد و پا به فرار می گذارد.

همه بدی های جن

جن کافر، جن مومن ؛ اگر ترسی از جن و بدی هایش در دل ماست از بابت جن های کافر است که در باور ایرانیان چهره ای زشت و مهیب دارند و از هیچ تلاشی برای آزار مردم فروگذار نیستند.

بدی این جن ها این است که به شکل های مختلف درمی آیند مثلا شکل مار، بز، غزال، گاو نر، کبوتر، گربه (بویژه گربه سیاه)، سگ، موش، گورخر، سوسمار، خاریشت یا حتی شتر مرغ تا بتوانند راحت تر به اهدافشان برسند. آزار این دسته از جن ها هم بیشتر به چند گروه می رسد از جمله به زنانی که تازه زایمان کرده اند.

با این که حالا باور عامه مردم نسبت به این موضوعات تا حدی عوض شده، اما ته دل خیلی از ما هنوز از بابت خطراتی که زائو را تهدید می کند صاف نشده و شاید به همین علت است که هنوز هم مردم باور دارند زن تازه زایمان کرده و نوزادش را نباید تا 10 روز تنها گذاشت و بجز آشنایان خیلی نزدیک کسی نباید به دیدن آنها برود چون بعید نیست جن ها خودشان را به شکل فرد مورد نظر

درآوردند و با این روش به هدفشان برسند.

در این بخش، اما عده ای به جای واژه جن از نام آل استفاده می کنند که تقریباً شرارت های یکسانی علیه زائو و نوزادش انجام می دهد. در فرهنگ عامه ایران، آل زنی است که دست ها و پاهاى استخوانی و لاغر دارد، رنگ چهره اش سرخ و بینی او از گل است، کارش هم این است که جگر زن تازه زایمان کرده را در زنبیل می گذارد و می برد! چنین زنی جن زده می شود که اگر جگرزدیده شده اش از آب نگذرد امید بهبودش وجود دارد.

در محیط های شهری، اما این باور رو به کمرنگ شدن می رود، ولی هنوز در بسیاری از نقاط کشور اعتقاد به آل، اعتقادی راسخ است و برای فرار از دست او یا در گوشه اتاق، پیاز به نخ می کشند یا تفنگ و شمشیر را در آن نزدیکی قرار می دهند (چون گفته می شود جن از فلز بویژه از آهن می ترسد) و دور رختخواب زن و نوزاد، طناب پشمی سیاه می گذارند.

در فرهنگ ما با این که علم پزشکی پیشرفت های زیادی کرده و ریشه بسیاری از بیماری ها را توضیح داده، اما هنوز هم در برخی نقاط جن عامل ایجاد بیماری صرع شناخته می شود. مردمی که چنین اعتقادی دارند می گویند جن که در جلد کسی برود او مبتلا به تشنج می شود و تا جن از وجود او بیرون نیاید این بیماری درمان نمی شود.

جن ها در فرهنگ عامه ما سر به سر انسان ها نیز می گذارند. مثلاً اگر با کسی شوخی داشته باشند، بعید نیست شب ها سراغش بیایند، رختخوابش را به هم بریزند، تارهای مویش را بکشند و آب روی او بریزند. گاهی هم لوازم خانه او را برمی دارند که قیچی یکی از این لوازم است. جن ها گاهی نیز بدون آن که خود را نشان دهند طوری رفتار می کنند که صاحبخانه حضور آنها را حس کند برای همین است که عده ای باور دارند اگر گوشه ای از خانه نان و نمک بگذاری و جن ها را به آن قسم دهی، آنها که نمک گیر شده اند دست از سر صاحبخانه برمی دارند.

در واقع طبق این باور، جن ها غذا می خورند که البته این خلاف باور بعضی از مردم است که می گویند جن ها با بوی غذا سیر می شوند، همچنین خلاف باور آنهایی که معتقدند غذای اصلی جن ها باقلاست!

انسان ها و جن ها

با این حال رابطه آدم ها و اجنه همیشه شکرآب نیست، چون در فرهنگ شفاهی ما گفته می شود که انسان می تواند با جن طرح دوستی بریزد. شاهد مثالش هم قابلیتی کردن آدم ها برای جن هاست که این شکل که آن هنگام که جنیان برای تولد نوزادشان به قابله نیاز پیدا می کنند قابله ای از میان آدم ها انتخاب می شود، چشمانش بسته می شود تا هیچ چیز را نبیند و بعد که بچه جن به سلامت به دنیا آمد یک مشت پوست پیاز به او پاداش داده می شود.

این پوست پیازها البته انعامی با ارزشند به شرط آن که قابله این موضوع را به هیچ کس بروز ندهد و آن پوست ها را زیر فرش خانه اش پنهان کند و هر روز به جای آن یک سکه طلا تحویل بگیرد.

شاید نشود اسمش را خدمت جن ها به آدم ها گذاشت، اما برخی مردم باور دارند گاهی جن ها عاشق آدم ها می شوند و حاضرند برای معشوق خود هر کاری بکنند مثلاً مکان گنج های باارزش را به آنها نشان دهند یا همه خواسته های آنها را بسرعت اجابت کنند و اخبار مهم مربوط به آینده را به گوش آنها برسانند.

اینها از ما بهتراند

فارغ از این که اعتقاد به موجودات نامرئی از چه زمانی و توسط چه کسانی وارد فرهنگ ما شده، آنها به موجوداتی ترسناک و آسیب رسان تبدیل شده اند که اسامی آنها برای ما ایرانی ها آشناست. از جمله غول بیابانی که باید هم خانواده جنیان باشد؛ همان دیوی که دور از آبادی ها در کوه ها و بیابان ها زندگی می کند و به هر شکلی که بخواهد در می آید و مردم را از راه به در می کند.

گفته می شود کسی که در بیابان تنها بخوابد غول بیابانی کف پای او را آنقدر می لیسد و خونش را می خورد تا بمیرد. گفته می شود این غول ها که مشهورترین شیاطین هستند از سر تا ناف به شکل انسان و از ناف به پایین به شکل اسب با سم هایی همانند خر.

غیر از غول، بختک یا فرنچک هم در فرهنگ ما باور شده است. گفته می شود این زن کنیز اسکندر بوده، اما وقتی مشک آب زندگی او به زمین ریخت و این زن مشتی از آن را جمع کرد اسکندر عصبانی شد، بینی او را برید و به جای آن یک بینی از جنس گل برای او گذاشت. این بختک همان است که بعضی آدم های خواب را گرفتار می کند و روی آنها می افتد و حالت خفگی به آنها دست می دهد

یعنی موجودی که بینی گلی اش ما را به یاد آل می اندازد.

البته راه حل مبارزه با بختک آسان است چون باور عوام بر این است که اگر بتوان بینی او را گرفت بختک از ترس این که بینی اش را از دست ندهد دست از سر آن فرد برمی دارد و جای گنجی را هم که می شناسد به او نشان می دهد!

اگر چه جن واقعی است که حتی در قرآن و روایات دینی نیز به آن اشاره شده، اما بسیاری از باور های عمومی که در فرهنگ عامه وجود داشته و هنوز هم نقل می شود بیشتر شبیه افسانه است ؛ هر چند که افسانه ها هم رگه هایی از حقیقت درون خود دارند.

مریم خباز - گروه جامعه